

ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین

روح‌الله هادی^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

زینب نصیری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۱۵ تا ۱۳۱)

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

تشبیه اساسی‌ترین رکن دستگاه بلاغی است که تصاویر دیگر مانند استعاره و تشخیص و کنایه از آن ناشی می‌شوند. در این تحقیق، انواع تشبیهات ویس و رامین و خسرو و شیرین، از وجوه مختلف - نظیر وجه شبه، ادات تشبیه، حسی و عقلی بودن، مفرد و مرکب بودن، ساختار ظاهری، بسامد به‌کارگیری تشبیه، تصاویر مشترک در هر دو اثر - بررسی و دسته‌بندی و مقایسه شده و پس از تطبیق انواع تشبیهات، تحلیلی علمی و آماری از آن ارائه شده است. مسئله اصلی پژوهش، مقایسه انواع تشبیهات این دو اثر از لحاظ وجوه مذکور برای مشخص کردن میزان ابتکار و تقلید نظامی از فخرالدین اسعد گرگانی است. داستان خسرو و شیرین، ۵۳۰۰ بیت است که در ۱۰۰۵ بیت (۱۹ درصد) تشبیه دیده می‌شود و ویس و رامین با ۸۳۰۰ بیت، ۱۲۶۰ تشبیه (۱۵/۵ درصد) دارد. از نکات مهم این تحقیق، وجه شبه‌های نو و ابداعی در بیشتر تشبیهات نظامی است که بیانگر ابتکار و خلاقیت وی در آوردن معانی و مضامین تازه است. همچنین تصاویر و تشبیهات مشترکی بین هر دو اثر وجود دارد که نشان‌دهنده بهره‌گیری نظامی از مضامین ویس و رامین است.

واژه‌های کلیدی: تشبیه، ساختارهای تشبیهی، ویس و رامین، خسرو و شیرین.

مقدمه

تطبیق و مقایسه، راه و روشی برای دستیابی به حقایق اصیل است. مقایسه تصاویر شعری، از مباحث اساسی در مطالعات ادبی - از جمله نقد و تحلیل شعر - است و سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت نوآوری و تأثیرپذیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند. چنانچه بپذیریم که شعر گره‌خوردگی اندیشه و عاطفه و خیال در زبانی آهنگین است و خیال عنصر اصلی شعر، در آن صورت به میزان اهمیت عنصر خیال در عرصه شاعری پی خواهیم برد.

خیال حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. امروز ناقدان معاصر می‌کوشند شعر و هنر را تجربه انسان بنامند و از آنجاکه هر کسی در زندگی خاص خود تجربه‌هایی ویژه خویش دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست؛ استعارات و تشبیهات و مجازهای ویژه خویش دارد که می‌توانیم آنها را تصاویر او بنامیم (شفیعی، ۱۳۷۰: ۱۷-۲۵).

بدین دلیل، مطالعه موردی هر یک از عناصر صور خیال می‌تواند در زمینه شناخت و فهم هر چه بهتر آثار ادبی و باورهای ذهنی و نوع نگرش صاحبان آن آثار، مؤثر باشد. «در دستگاه زبانی هر شاعر و نویسنده‌ای، خصوصیات آوایی، نحوی، واژگانی، معنایی، و ادبی - بلاغی شاخصی وجود دارد. دستگاه بلاغی بر اساس عناصر بیانی و بدیعی و سایر عناصر زیبایی‌شناسی زبان شکل می‌گیرد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۳۲). در این میان، تشبیه مهم‌ترین عنصر سازنده این دستگاه و نشان‌دهنده زاویه دید شاعر است که چگونه میان اشیا و عناصر متنوع، پیوند ایجاد می‌کند.

در این تحقیق بر آنیم تا دو منظومه از شاهکارهای ادب فارسی را از لحاظ عنصر خیال تشبیه، مقایسه و تحلیل کنیم. ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی گنجوی، از زیباترین و ارزشمندترین داستان‌های عاشقانه به شمار می‌روند. هدف از انجام این تحقیق، تطبیق این دو داستان از نظر کاربرد تشبیه است تا مشخص شود نظامی تا چه اندازه از نظر عنصر تشبیه و تصاویر خیالی از ویس و رامین تأثیر پذیرفته است. مقایسه و تحلیل ساختار تشبیه در این دو اثر تا حدودی می‌تواند خواننده را با سبک و تفکر این دو شاعر آشنا سازد. در این تحقیق، تمام ابیات دو منظومه مطالعه شده که به دلیل محدودیت حجم مقاله، به ذکر نمونه‌هایی از آنها بسنده می‌شود، اما آمارها و درصدها شامل تمام تشبیهات دو داستان است.

بحث کلی

تشبیه رایج‌ترین صور خیال شاعرانه است. هر جا شعری پدید آید باید منتظر حضور توصیف بود و هر جا سخن از توصیف در میان باشد، بی‌شک تشبیه یکی از عناصر سازنده آن است. نظامی و فخرالدین - که از بزرگ‌ترین داستان‌سرایان ادب پارسی‌اند - آفریدگاران تشبیهات زیبا نیز هستند که این هنر در توصیفاتشان جلوه خاصی می‌یابد. در این بحث، به تحلیل و مقایسه تشبیهات هر دو اثر - از لحاظ ساختار تشبیه، جایگاه وجه شبه و ادات تشبیه، هستی و عقلی و مجرد بودن تشبیه، مفرد و مرکب بودن دو طرف تشبیه، خیالی و وهمی بودن تشبیه، شکل ظاهری و بسامد به‌کارگیری تشبیه - پرداخته‌ایم و در بخشی جداگانه، مضامین و ترکیبات مشترکی که در هر دو اثر وجود دارد، آورده و سرانجام با رسم جدول، یافته‌های پژوهش را به شکل آماری و دقیق ثبت کرده‌ایم تا مخاطب در یک نگاه اجمالی بتواند به نتیجه این تطبیق دست یابد.

در داستان ویس و رامین - که ۸۳۰۰ بیت است - در ۱۲۶۰ بیت تشبیه دیده می‌شود، یعنی ۱۵/۵ درصد؛ و در داستان خسرو و شیرین - که ۵۳۰۰ بیت است - ۱۰۰۵ بیت تشبیه دارد، یعنی ۱۹ درصد. توجه به این آمار، قدرت تصویرگری نظامی و هنر وی را آشکار می‌سازد. برای دسترسی راحت‌تر و دقیق‌تر، در جدول شماره ۱ و ۲ و ۳، انواع تشبیهات هر دو اثر و بسامد و درصدهای آن مشخص شده است.

تشبیهات دو شاعر از نظر ذکر و حذف وجه شبه

بدون تردید، اهمیت و ارزش هنری تشبیه، به چگونگی و کیفیت وجه شبه، وابسته است. هرچه شاعر در پیدا کردن روابط مشبّه و مشبّه‌به خلاقیت به کار بندد، وجه شبه برجسته‌تر می‌شود و در نتیجه ادبی بودن کلام، بارزتر خواهد شد. وجه شبه، عامل اصلی و اساسی فعال کردن ذهن خواننده و مشارکت دادن وی در روند آفرینش است. «بحث وجه شبه، مهم‌ترین بحث تشبیه است، چون وجه شبه، مبین جهان‌بینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند می‌شویم» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۸). «تشبیهی که وجه شبه در آن یاد نشده باشد و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن شود، بی‌گمان رساتر و پرتأثیرتر است» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۷۰).

حذف وجه شبه و یا ذکر آن، ممکن است به دلایل مختلفی صورت گیرد؛ نخست اینکه «وقتی مشبّه‌به دارای صفت و ویژگی واضح و آشکاری باشد، شاعر خود را ملزم به آوردن وجه شبه نمی‌بیند» (زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۳). گاهی شاعر در تنگنای وزن و قافیه قرار

می‌گیرد و ناچار به حذف وجه شبه می‌شود، اما گاهی امکان دارد حضور وجه شبه به معنای بدیع و تازه بودن تشبیه باشد. شاعر زمانی که تشبیه تازگی داشته باشد، لازم می‌بیند که وجه شبه را ذکر کند؛ بنابراین درصد مواردی از تشبیه که وجه شبه در کلام ذکر شده است، تا اندازه‌ای بیانگر تازگی و مابینت دو رکن اصلی تشبیه است.

با توجه به جدول شماره ۱، از مجموع ۱۰۰۵ تشبیه نظامی در خسرو و شیرین، ۴۴۲ مورد (۴۴ درصد) همراه با وجه شبه ذکر شده و در ۲۰۲ مورد (۲۰/۵ درصد) وجه شبه ذکر نشده است. فخرالدین نیز مجموعاً ۱۲۶۰ تشبیه در ویس و رامین آورده که در ۳۸۲ مورد (۳۰/۵ درصد) وجه شبه ذکر شده و در ۳۳۵ مورد (۲۷ درصد) وجه شبه ذکر نشده است. در این میان، فخرالدین ۲۷ درصد از تشبیهات خود را بدون ذکر وجه شبه آورده که حاکی از مخیل و هنری بودن تشبیهات وی و قدرت خیال‌انگیزی این شاعر تواناست، اما نظامی در خسرو و شیرین، ۲۰/۵ درصد از کل تشبیهات خود را بدون ذکر وجه شبه آورده است. اگر از تشبیهاتی که بدون ذکر وجه شبه آمده‌اند و در نوع خود هنری و خیال‌انگیزند بگذریم و تشبیهات صریح نظامی را با فخرالدین مقایسه کنیم، تفاوت آشکار و تأمل‌برانگیزی دیده می‌شود.

همان‌طور که اشاره کردیم، یکی از دلایل ذکر وجه شبه، تازگی و نویی تشبیه است و شاعر به دلیل نو بودن مشبّه‌به و دوری آن از مشبّه، مجبور به آوردن وجه شبه می‌شود. نظامی نیز با توجه به اینکه معانی و مضامین بدیع و نو را در تشبیهات خود آورده، مجبور شده است برای اینکه یافتن وجه شبه برای خواننده دشوار به نظر نرسد، وجه شبه را ذکر کند. بدین دلیل در خسرو و شیرین درصد تشبیهاتی که در آن وجه شبه ذکر شده، زیاد است. «از آنجاکه تشبیهات نو است، معمولاً مفصل است، یعنی شاعر یا نویسنده وجه شبه را - که غالباً تخیلی است - ذکر می‌کند تا نگرش او - که دو امر تازه را به هم مربوط ساخته است - فهمیده شود» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۷). به عبارت دیگر، «وقتی سبکی تغییر می‌کند، بیشترین تغییر در تشبیه و استعاره صورت می‌گیرد زیرا نگرش هنرمند به جهان - که بیشتر در وجه شبه رخ می‌نماید - دچار دگرگونی می‌شود» (همان: ۱۳۹). دوره شاعری نظامی، دوره‌ای است که سبک در حال دگرگونی است و با تغییر سبک خراسانی به سبک عراقی مواجهیم. نظامی، شاعر سبک آذربایجانی، به دلیل مشبّه‌به‌های جدیدی که وارد حوزه شعر خود کرده، ملزم به آوردن وجه شبه شده است. «در هر سبک اصیل جدید، مشبّه‌به‌ها در مقایسه با سبک‌های قبلی، نو و تازه‌اند و لاجرم

وجه شبه مبهم می‌نماید، اما این مشبّه‌به‌ها و وجه شبه‌ها پس از بحث‌های بلاغی اندک‌اندک روشن خواهند شد و در اذهان وضوح خواهند یافت، چنان‌که در شعر کهن چنین شد» (همان: ۱۴۴).

نکته دیگر در بیان علت اینکه نظامی تشبیهات زیادی را با وجه شبه بیان کرده است، امکان دارد چنین باشد که، معمولاً مشبّه‌به صفات و خصوصیات دارد که همه به یک میزان مشهور نیستند. وقتی نظر شاعر به خصوصیت مشهور وجه شبه باشد، دیگر لزومی به آوردن آن نیست، ولی اگر مراد شاعر یکی از خصوصیات دیگر باشد که چندان مشهور نیست و یا خصوصیتی است که ذهن شاعر پیدا کرده، در این صورت ناچار است وجه شبه را ذکر کند. آنچه بیش از هر چیز درباره وجه شبه‌های نظامی جلب توجه می‌کند، تنوع آنهاست، به خصوص آنجا که شاعر یک چیز را بارها مشبّه‌به قرار می‌دهد و هر بار از زاویه دیگری بدان می‌نگرد و تصویری نو می‌آفریند که با تأمل در آن می‌توان وسعت خیال شاعر را فهمید و به میزان هنرمندی او پی برد. برای نمونه «ماه» را بیشتر از جهت روشنی و سپیدی مورد توجه قرار می‌دهد و گاهی از جهاتی مانند حرکت از منزلی به منزل دیگر، جدایی از اختران، دامن‌افشانی، نمونه این تشبیهات را در بیت‌های زیر می‌توان دید:

نظامی: تشبیه زیبارویان به ماه

همه آراسته با رود و جامند
چو مه منزل به منزل می‌خرامند
(نظامی، ۱۳۸۸: ۵۵)

نظامی: تشبیه شیرین به ماه

چو ماه از اختران خود جدایی
نه خورشیدی چنین، تنها چرایی؟
(همان: ۷۵)

نکته دیگری که درباره تشبیهات نظامی قابل توجه است، وجود وجه شبه‌هایی است که دارای صنعت استخدام‌اند. بدین معنی که وجه شبه در ارتباط با مشبّه یک معنی، و در ارتباط با مشبّه‌به معنی دیگری دارد، و یک بار حسی است و بار دیگر عقلی و در این صورت کلام بسیار زیبا و هنری خواهد بود. اصولاً وجه شبه‌ی که دارای استخدام است، نشان‌دهنده وسعت دید و قدرت تخیل شاعر است. چنین وجه شبه‌ی علاوه بر ایجاد

معانی گوناگون، فعالیت ذهنی خواننده را دوجندان می‌کند و به تعبیری علاوه بر نو بودن، باعث دخالت ذهنی مخاطب می‌شود. نظامی از هنری‌ترین وجه شبه استفاده کرده است و این‌گونه وجه شبه‌ها در تشبیهات وی نسبت به فخرالدین بسامد خیلی زیادی دارد و آن را می‌توان ویژگی سبکی وی دانست.

تشبیهات دو شاعر از نظر ذکر و حذف ادات تشبیه

ادات تشبیه از عوامل «نشان‌داری» است (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) و حذف آن در ساختار تشبیه، از میزان «نشان‌داری» ساختار می‌کاهد، که همین امر زمینه را برای فعالیت خواننده فراهم می‌سازد. «تکامل ادبیات هر زبان گواه این است که حذف ادات، که اندک‌اندک تشبیه را به استعاره نزدیک می‌کند، عاملی است برای پرتأثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۶۶).

از مجموع ۱۰۰۵ تشبیه نظامی در خسرو و شیرین، ۵۸۹ مورد (۵۹ درصد) ادات تشبیه دارد و در ۵۵ مورد (۵/۵ درصد) ادات ذکر نشده است. همچنین از مجموع ۱۲۶۰ تشبیه فخرالدین در ویس و رامین، ۶۷۵ مورد (۵۴ درصد) با ادات همراه است و ۴۲ مورد (۳/۵ درصد) بدون ادات تشبیه آمده است. درصد بیشتری از تشبیهات نظامی در مقایسه با فخرالدین بدون ادات تشبیه و به صورت مؤکدِ مفصل آورده شده که نشان‌دهنده هنری‌تر بودن آن است.

تشبیه بلیغ در دو اثر

می‌توان مدعی شد که تشبیه، انتخاب دو نشانه از روی محور جانشینی بر حسب «تشابه» و ترکیب آنها بر روی محور همنشینی است. استفاده از وجه شبه و ادات تشبیه بر روی محور همنشینی، بر توضیح عملکرد می‌افزاید تا «مدلول» به «مصدق» نزدیک‌تر شود. به همین دلیل است که کاربرد تشبیه در دورترین فاصله میان مدلول، و مصداق «تشبیه بلیغ» نامیده می‌شود (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

این نوع تشبیه، گاهی به شکل ترکیب اضافی دیده می‌شود و به سبب نبودن وجه شبه و ادات تشبیه، خیال‌انگیزی زیادی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. این‌گونه تشبیهات، نشانه‌گرایی شاعر به هنرآفرینی و پرهیز از اطناب و توجه به ایجاز در فصاحت و بلاغت است. نظامی ۳۶ درصد از تشبیهاتش را به تشبیه بلیغ اختصاص داده و فخرالدین ۳۵/۵ درصد را.

خسرو و شیرین ۵۳۰۰		ویس و رامین ۸۳۰۰		مجموع ابیات
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۱۹	۱۰۰۵	۱۵/۵	۱۲۶۰	کلّ تشبیهات
۳۸/۵	۳۸۷	۲۷	۳۴۰	تشبیه با تمام ارکان (صریح)
۲۰/۵	۲۰۲	۲۶/۵	۳۳۵	تشبیه با طرفین و ادات (مرسل مجمل)
۵/۵	۵۵	۳/۵	۴۲	تشبیه با طرفین و وجه شبه (مؤکد مفصل)
۳۶	۳۶۱	۳۵/۵	۴۴۳	تشبیه با طرفین بدون ذکر ادات و وجه شبه (بلیغ)

جدول شماره ۱. بسامد و درصد تشبیهات از نظر ذکر و حذف ارکان تشبیه

حسّی و عقلی بودن دو طرف تشبیه در دو اثر

حواسّ و صور خیال با هم ارتباط تنگاتنگی دارند. «تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسّی شاعر زندگی می‌بخشد. به عبارت دیگر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید، یا می‌شنود» (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۰۵). با توجه به جدول شماره ۲، تقریباً ۷۹ درصد تشبیهات نظامی و ۷۸ درصد تشبیهات فخرالدین، حسّی به حسّی است. میزان تشبیهات عقلی به عقلی در خسرو و شیرین ۸ مورد (۱ درصد) و در ویس و رامین ۱۳ مورد (۱/۵ درصد) است. اما بسامد زیاد تشبیهات حسّی به عقلی در خسرو و شیرین (۹ درصد) نسبت به ویس و رامین (۵ درصد) و نیز درصد زیاد تشبیهات عقلی به حسّی در ویس و رامین (۱۶ درصد) نسبت به خسرو و شیرین (۱۱ درصد) حاکی از آن است که نظامی بیشتر سعی در پیچیده کردن مفاهیم ساده دارد و امور مادی را به صورت مفاهیم انتزاعی و پیچیده عرضه می‌دارد و برعکس فخرالدین می‌کوشد پیچیده‌ترین حالت‌ها و معانی را ملموس و مادی کند و چون معانی مجرد برای او قابل توضیح دقیق نیست، آنها را با اشیای مادی و امور حسّی پیوند می‌دهد.

«در سبک خراسانی، تشبیه محسوس افزون‌تر از تشبیهات معقول رواج دارد» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۴۱۱). فخرالدین در دوره‌ای زندگی می‌کند که سبک در حال دگرگونی است؛ دوره‌ای که مفاهیم انتزاعی و عقلی به اندازه دوره بعدی نیست و هنوز ماده و طبیعت محسوس، عناصر اصلی تصویرهای شاعران است، ولی با این همه، مفاهیم عقلی و مجرد در اشعار او بیش از دیگر شاعران سبک خراسانی دیده می‌شود. گرایش او به این

مفاهیم، نشانه تغییر سبک خراسانی و فاصله گرفتن از دنیای واقعی و محسوس و غرق شدن در مفاهیم مجرد است که در قرن‌های بعدی به اوج خود می‌رسد. با این حال، هر دو شاعر بیش از هر چیز در آوردن تشبیهاتی اصرار می‌ورزند که مشبه و مشبه‌به آنها از امور حسی باشند. این موضوع نمی‌تواند بی‌ارتباط با زمینه کار دو شاعر باشد، بدین معنی که هر دو به داستان‌سرایی روی آورده و زبانی که مناسب داستان باشد، زبان ساده و هموار است و آنچه به خیال و صورت‌های گوناگون آن مربوط می‌شود نیز باید به دور از پیچیدگی باشد تا خواننده در درک معنای سخن دچار سردرگمی نشود؛ به همین سبب از تشبیهاتی استفاده می‌کنند که در حوزه حواس ظاهری جای دارند و به خوبی به ذهن متبادر می‌شوند.

تشبیه مفرد و مرکب در دو اثر

تشبیه مرکب حکایت از خلاقیت و پیچیدگی‌های ذهنی و تخیلی شاعر دارد و نشان می‌دهد که شاعر از مفاهیم ساده و تکراری می‌گذرد و اندیشه‌های خود را پیچیده‌تر مطرح می‌کند. بنابراین شاعرانی که در اشعار خود از تشبیه مرکب بیشتر استفاده کرده‌اند، ذهن تخیلی‌تری دارند. «بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسامد تشبیه مرکب در سبک خراسانی بیش از سبک عراقی است» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۳۶۰). شاید دلیل این امر، تصاویر گسترده‌تر باشد که درک آن ساده‌تر است. فراوانی این نوع تشبیه در خسرو و شیرین ۵۳ مورد (۵/۵ درصد) و در ویس و رامین ۱۵۹ مورد (۱۳ درصد) است. با توجه به کل تشبیهات دو شاعر، هر دو بیشتر به ساختن تشبیه مفرد گرایش دارند، ولی میزان تشبیهات مرکب در ویس و رامین نسبت به خسرو و شیرین قابل ملاحظه است. با این حال، تشبیهات مرکب نظامی از تشبیهات مرکب فخرالدین زیباتر و هنری‌تر است و عنصر نوآوری و ابتکار در آن به خوبی به چشم می‌خورد. می‌توان فهمید که دنیای ذهن نظامی چقدر پیچیده‌تر از اندیشه فخرالدین است؛ زیرا نظامی علاوه بر اینکه از تشبیه مرکب برای خیال‌انگیزتر کردن تصاویر خود بهره گرفته، این تشبیهات را بسیار بهتر و متعالی‌تر از فخرالدین عرضه کرده است.

نظامی: تشبیه اندام شیرین در چشمه به مغز بادام در گل بادام

همه چشمه ز جسم آن گل اندام گل بادام و در گل مغز بادام

(نظامی، ۱۳۸۸: ۸۱)

فخرالدین: تشبیه شاه در میان مهتران به ماه در میان ستارگان

نشسته در میان مهتران شاه
چنان کاندلر میان اختران ماه
(فخرالدین، ۱۳۸۸: ۳۴)

تشبیهات خیالی و وهمی در دو اثر

این دو نوع تشبیه، از فروع بحث تشبیهاتی‌اند که مشبّه به آنها عقلی است. این نوع از تشبیهات، کاربرد چندانی در دو اثر ندارد. با توجه به جدول شماره ۲، نظامی ۱۳ تشبیه (۱/۵ درصد) خود را به تشبیه خیالی اختصاص داده و فخرالدین ۱۰ تشبیه (۱ درصد) خیالی در ویس و رامین آورده است. تشبیه وهمی در خسرو و شیرین وجود ندارد و در ویس و رامین فقط ۱ مورد دیده می‌شود. ارسطو (۱۳۸۷: ۱۵۹) زیاده‌تر بودن تشبیهات غیرمعقول را - که از مهم‌ترین مصادر امور خارق‌العاده است - مختص شعر حماسی می‌داند؛ چرا که بزرگ‌نمایی در آن بیشتر است. با توجه به غنایی بودن مضمون این دو منظومه، مجالی هم برای آوردن تشبیهات خیالی و وهمی نیست.

خسرو و شیرین		ویس و رامین		مجموع ابیات
۵۳۰۰		۸۳۰۰		
درصد	بسامد (بیت)	درصد	بسامد (بیت)	
۱۹	۱۰۰۵	۱۵/۵	۱۲۶۰	کل تشبیهات
۷۹	۸۰۲	۷۷/۵	۹۸۹	حسی به حسی
۱	۸	۱/۵	۱۳	عقلی به عقلی
۹	۸۵	۵	۵۸	حسی به عقلی
۱۱	۱۱۰	۱۶	۲۰۰	عقلی به حسی
۹۴/۵	۹۵۲	۸۷	۱۱۰۱	مفرد
۵/۵	۵۳	۱۳	۱۵۹	مرکب
۱/۵	۱۳	۱	۱۰	خیالی
۰	۰	۰/۱	۱	وهمی

جدول شماره ۲. بسامد و درصد انواع تشبیهات از لحاظ مفهوم

تشبیهات دو شاعر از نظر ساختار شکلی و ظاهری

شکل قرار گرفتن مفاهیم، گونه‌ای از نظم و زیبایی را جلوه می‌دهد که در تخیل و هنر شاعرانه نقش دارد. این نوع تقسیم‌بندی، تکیه بر شکل و ظاهر تشبیهات دارد و با توجه

به حضور ارکان تشبیه و چگونگی چینش دو طرف تشبیه و تعدد آنها متنوع است. در این بخش، به مقایسه این نوع از تشبیهات می‌پردازیم.

تشبیه تفضیل: این نوع تشبیه، بر مبالغه و اغراق می‌افزاید. هرچند تشبیه خود بر پایه اغراق است، گاهی همراهی اغراق، جلوه تشبیه را افزون‌تر می‌کند. «این تشبیه نوعی از تشبیهات شاعرانه است که مخیل‌تر از دیگر انواع است و ذهن را از سویی به سوی دیگر می‌برد و در گیرودار تأمل و تفکر، به برتری مشبه می‌انجامد» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۰۶). نظامی ۷۴ تشبیه (۷/۵ درصد) خود را به تشبیه تفضیل اختصاص داده، حال آنکه فخرالدین ۵۵ مورد (۴/۵ درصد) از این نوع تشبیه آورده است. «تشبیه تفضیل خود راهی است برای دخل و تصرف و بدیع جلوه دادن بیشتر تشبیهات پیشینیان» (همان: ۱۰۶). نظامی با تخیل خویش، از تخیلات پیشینیان بهره برده و با افزودن نکته‌ای به آنها، درصد نو کردن تشبیه برآمده است. از آنجاکه تشبیه تفضیل موجب توصیف مبالغه‌آمیز هر تصویر می‌شود، می‌توان عنوان کرد که تشبیهات نظامی نسبت به فخرالدین، تخیل و اغراق بیشتری دارد.

تشبیه مضمّر: شاعرانه‌ترین مقوله سخن و یکی از شکل‌های خیالی غریب است که استعداد و تجربه و هنر شاعر را نشان می‌دهد و از دیدگاه زیباشناختی ارزش والایی دارد؛ چرا که ذهن را به تلاش برای یافتن رابطه‌ای میان اجزای جمله ترغیب می‌کند که از دید مخاطب پنهان است. بدیهی است هرچه تشبیه پنهان‌تر باشد، کوشش ذهنی ما برای کشف رابطه یا رابطه‌های نهفته میان مشبه و مشبه‌به بیشتر خواهد بود و در نتیجه ذهن بعد از کشف این رابطه، لذت فراوان‌تری خواهد برد. نظامی ۳۵ مورد (۳/۵ درصد) و فخرالدین ۴۲ مورد (۳/۵ درصد) از تشبیهات خود را به تشبیه مضمّر اختصاص داده‌اند که نشان می‌دهد هر دو به یک میزان از آن بهره جستند.

تشبیه مشروط: ابهام شاعرانه هرچه لطیف‌تر باشد، زیبایی و لذت خواننده را افزون‌تر می‌کند. قید و شرطی که در تشبیه مشروط وجود دارد به شاعر کمک می‌کند تا شعر خود را رونق و رنگ افزایش دهد و موجبات لذت مخاطب را فراهم سازد. همچنین در برخی از تشبیهات، کوششی برای اغراق‌آمیز نشان دادن معانی وجود دارد. تشبیه مشروط از تشبیهاتی است «که عنصر اغراق یا دعوی، غلبه دارد و همین نقش دعوی یا اغراق که خود مستقلاً می‌تواند نوعی بیان هنری یا نوعی از صورت‌های خیال شاعرانه باشد - در صورتی که از پایه‌های ذوقی و هنری برخوردار باشد - می‌تواند جنبه خیالی موضوع را

وسعت بیشتری دهد» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۷۱). بسامد این تشبیه در هر دو اثر یکسان است. نظامی ۳ مورد (۵/۰ درصد) و فخرالدین ۲ مورد (۵/۰ درصد) از این تشبیهات در آثار خود آورده‌اند.

تشبیه مفروق: این قسم تشبیه در شعر هر دو شاعر فراوان است. این تشبیهات شامل چند مشبّه و مشبّه‌به متوالی است که سبب خیال‌انگیزی و کوشش ذهنی بیشتر مخاطب می‌شود. میزان این نوع تشبیه در خسرو و شیرین ۹۷ مورد (۱۰ درصد) از کل تشبیهات و در ویس و رامین ۲۰۵ مورد (۱۶/۵ درصد) است. فخرالدین به این نوع از تشبیه بیشتر توجه داشته و سعی کرده است برای هنری کردن تشبیهات خود از آن بهره گیرد.

تشبیه ملفوف: بسامد این تشبیه در هر دو اثر خیلی کم است. در خسرو و شیرین ۳ مورد (۵/۰ درصد) و در ویس و رامین ۵ مورد (۵/۰ درصد) وجود دارد.

تشبیه جمع: میزان این تشبیه در هر دو اثر یکسان است. نظامی ۷۵ مورد (۷/۵ درصد) و فخرالدین ۸۹ مورد (۷/۵ درصد) از این نوع تشبیه آورده‌اند.

تشبیه تسویه: هر دو شاعر به یک میزان از این نوع تشبیه استفاده کرده‌اند. در خسرو و شیرین ۱۵ مورد (۱/۵ درصد) و در ویس و رامین ۱۶ مورد (۱/۵ درصد) تشبیه تسویه دیده می‌شود.

تشبیه معکوس: نظامی از این تشبیه هیچ استفاده‌ای نکرده و فخرالدین فقط ۱ مورد (۱/۰ درصد) در ویس و رامین آورده است.

توجه هر دو شاعر به تشبیهات مفروق، جمع، تفضیل، مضمّر بیش از دیگر تشبیهات است و این تشبیهات در هر دو اثر بسامد زیادتری نسبت به دیگر انواع دارند. در ویس و رامین تشبیه بلیغ و مفروق، از نظر ذکر نشدن ادات و وجه شبه و به دلیل تراکم مشبّه و مشبّه‌به - یعنی تعدّد تشبیهات بلیغ اضافی و کنار هم قرار گرفتن آنها - مخیّل‌تر شده است و درصد زیادتری را به خود اختصاص داده است. این تشبیه، ذهن خواننده را به ژرف‌ساخت سخن می‌کشانند و باعث دشواری و دیریابی آن می‌شود. افزونی این نوع تشبیه در ویس و رامین نشان از آن دارد که فخرالدین گرایش بیشتری به این تشبیهات دارد و به نوعی در پی آن است که ابزارهایی برای نو کردن تشبیهات و تازه جلوه دادن مضامین پیدا کند تا به شعرش ارزش بیشتری بدهد. فخرالدین به تشبیه مفروق و

نظامی به تشبیه تفضیل بیشتر پرداخته‌اند؛ زیرا این نوع، یکی از ابزارهای نو کردن تشبیه است، و گرنه بسامد دیگر تشبیهات در هر دو اثر با هم برابر و مشابه است.

خسرو و شیرین		ویس و رامین		مجموع ابیات
۵۳۰۰		۸۳۰۰		
درصد	بسامد (بیت)	درصد	بسامد (بیت)	
۱۹	۱۰۰۵	۱۵/۵	۱۲۶۰	کل تشبیهات
۷/۵	۷۴	۴/۵	۵۵	تفضیل
۳/۵	۳۵	۳/۵	۴۲	مضمّر
۰/۵	۳	۰/۵	۲	مشروط
۱۰	۹۷	۱۶/۵	۲۰۵	مفروق
۰/۵	۳	۰/۵	۵	ملفوف
۷/۵	۷۵	۷	۸۹	جمع
۱/۵	۱۵	۱/۵	۱۶	تسویه
۰	۰	۰/۱	۱	معکوس

جدول شماره ۳. بسامد و درصد انواع تشبیهات از لحاظ ساختار و شکل ظاهری

بسامد به کارگیری تشبیه

بسامد به کارگیری تشبیهات در تمام قسمت‌های هر دو منظومه به یک میزان نیست. در این میان، هم نظامی و هم فخرالدین در هر جا که به ذکر داستان و بیان وقایع آن می‌پردازند، از تشبیهات کمتری بهره می‌برند، اما هر جایی که به وصف روی می‌آورند، در وصف طبیعت و مظاهر گوناگون آن، وصف شخصیت‌ها و قهرمانان و حالات روحی آنان، وصف محافل بزم و رزم از تشبیهات بیشتری استفاده می‌کنند. نظامی از هر بهانه‌ای برای بیان توصیفات دقیق و ظریف و شورانگیز خود بهره برده است. فخرالدین نیز در هر زمینه‌ای که به وصف پرداخته، از عنصر تشبیه به نحو زیبایی استفاده کرده و درصد تشبیهات در این بخش‌ها به مراتب بیش از دیگر قسمت‌های داستان است. در گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های داستان، شاهد بسامد زیاد تشبیهات هستیم؛ از جمله در خسرو و شیرین، گفت‌وگوی بین شیرین و خسرو و گفت‌وگوی شاپور با خسرو و شیرین، سرود گفتن باربد از زبان خسرو، و نکیسا از زبان شیرین، مملو است از توصیفات دل‌نشین و زیبا. در ویس و رامین هم در گفت‌وگوهایی که از زبان شخصیت‌های داستان ردوبدل می‌شود، میزان تشبیهات چشمگیر است.

هر دو شاعر - به خصوص نظامی - در هر زمینه‌ای که به وصف پرداخته‌اند، مناسب با موقعیت و جایگاه سخن، گاه به ایجاز و اختصار، و گاه با اطناب سخن رانده‌اند و با توجه به مقتضای کلام، از تشبیه بلیغ برای اختصار و از تشبیه صریح و مرسل مجمل برای اطناب که پسندیده‌تر و مناسب‌تر برای توصیف است - بهره برده‌اند.

تشبیهات و تصاویر مشترک در هر دو اثر

در این بخش به ذکر چند نمونه از تشبیهات و تصاویر مشترکی که در هر دو اثر وجود دارد اشاره می‌کنیم؛ تصاویر و تشبیهاتی که به نظر می‌رسد برای نخستین بار در ویس و رامین دیده شده و نظامی از آن بهره برده است.

۱. شیر و می برای تصویر در آغوش گرفتن:

تو گفستی شیر و می بودند در هم و یا بر هم فگنده خرز و ملحم
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۲۲۹)

چو یک دم جای خالی یافتندی چو شیر و می بهم بشتافتندی
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

۲. سببِ دونیمه‌شده برای تصویرِ مشابهت بین دو چیز:

تو چون ویسی لب از نوش و بر از سیم تو گویی کرده شد سیبی به دو نیم
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۳۳۷)

تو گویی بینی‌اش تیغی‌ست از سیم که کرد آن تیغ، سیبی را به دو نیم
(نظامی، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

۳. تصویر لرزیدن آدمی از ترس:

سمن بر ویس، لرزان گشت چون بید چو در آب روان در، عکس خورشید
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۴۲۵)

ز شرم چشم او در چشمه آب همی لرزید چون در چشمه مهتاب
(نظامی، ۱۳۸۸: ۸۲)

۴. تصویر کوه دماوند برای انبوه غم و ناراحتی:

بسان مادرِ گم کرده فرزند غمی در پیش چون کوه دماوند
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۲۷۸)

به شخص کوه‌پیکر کوه می‌کند غمی در پیش چون کوه دماوند
(نظامی، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

۵. تصویر گداختن برف از تابش خورشید و گداختن برف در آب:

گدازان شد تنم از بیم و امید چو برف کوهسار از تاب خورشید
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۱۲۱)

شبِ روشن‌روان ماهِ جهان‌تاب گدازان گشت همچون برف در آب
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

۶. سنگ مغناطیس و آهن برای تصویر جذب و کشش:

دل اندر مهر می برهنجد از تن چنان‌چون سنگ مغناطیس ز آهن
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۱۵۳)

کشش‌هایی بدان رغبت که باید چو مغناطیس ک‌آهن را رباید
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۸۱)

۷. حلقه بر در برای تصویر جدایی و انتظار:

من اندر باغ، روز و شب مجاور بداندیشم چو حلقه مانده بر در
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۲۲۰)

مکن جاننا به خون حلق مرا تر مدارم بیش از این چون حلقه بر در
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

۸. مار برای تصویر پیچیدن و ناراحتی:

همی بینی که پیچان همچو مارم چگونه صعب و آشفته است کارم
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۱۲۸)

در آن اندوه می‌پیچید چون مار فشانند از جزع‌ها لؤلؤی شهوار
(نظامی، ۱۳۸۸: ۶۴)

۹. بید برای تصویر لرزش:

سهی‌سروش چو بید از باد لرزان ز نرگس بر سمن یاقوت‌ریزان
(فخرالدین، ۱۳۴۹: ۳۴۳)

سهی‌سروش چو برگ بید لرزان شده زو نافه کاسد، نیفه ارزان
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

نتیجه

پس از بررسی و تحلیل دریافتیم که نظامی با وجود ابیات کمتر، تشبیه‌سازتر و تصویرگرتر از فخرالدین بوده است؛ زیرا از مجموع ابیات خسرو و شیرین، ۱۹ درصد

تشبیه وجود دارد و در ویس و رامین از مجموع ابیات، ۱۵/۵ درصد. از نظر ساختار تشبیه و ذکر و حذف ارکان تشبیه، هر دو شاعر از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده‌اند؛ البته تمایل هر دو شاعر به آوردن تشبیه با ذکر ادات تشبیه بوده است. نظامی به آوردن تشبیه با ذکر وجه شبه گرایش بیشتری داشته است؛ زیرا وی تشبیهات نو و تازه‌ای خلق می‌کند و برای اینکه یافتن وجه شبه برای خواننده دشوار به نظر نرسد، آن را بیان می‌کند. گرایش هر دو شاعر به آوردن تشبیه بلیغ زیاد است که نشانه‌ی علاقه هر دو شاعر به هنرآفرینی و پرهیز از اطناب و توجه به ایجاز در کلام است. این پژوهش ثابت می‌کند که هر دو شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی تمایل دارند. از جهت مفرد و مرکب بودن تشبیه، گرایش فخرالدین به ساخت تشبیهات مرکب بیشتر از نظامی بوده است، که شاید بی‌ارتباط با ساختار ساده آن نباشد. هر دو شاعر، تشبیه مفرد را بیش از مرکب در آثار خود به کار برده‌اند. به دلیل غنایی و عاشقانه بودن هر دو اثر، بسامد تشبیهات خیالی و وهمی در آنها خیلی کم است.

از نظر شکل ظاهری تشبیه، تمایل هر دو شاعر به تشبیهات مضمّر و تفضیل و مفروق و جمع بیش از دیگر انواع بوده؛ البته گرایش نظامی به تشبیه تفضیل بیشتر بوده است و تمایل فخرالدین به تشبیه مفروق. در واقع هر دو شاعر در پی راهی برای تازه و بدیع جلوه دادن مضامین تشبیهات خود بوده و در این راه از ابزارهای متفاوتی بهره گرفته‌اند؛ نظامی با تشبیه تفضیل و فخرالدین با تشبیه مفروق. می‌توان گفت توجه فخرالدین به انواع تشبیه از نظر شکل ظاهری بیشتر بوده و از این راه درصد نوآوری در تشبیه برآمده است درحالی که نظامی بیشتر در این اندیشه بوده که با آوردن مضامین نو و بکر، تشبیهات و تصاویر بدیع خلق کند و کمتر از فخرالدین به این قسم از تشبیهات توجه داشته است. در بررسی‌ای که در مضامین و تصویرهای مشترک هر دو اثر صورت گرفت، مشخص شده است که تصاویر و تشبیهات مشترکی بین دو اثر وجود دارد که بیشتر آنها برای نخستین بار در اشعار فخرالدین دیده شده و بدیهی است که نظامی این تصاویر را از ویس و رامین گرفته باشد، اما این، تقلید صرف نیست، بلکه این معانی و مضامین در ذهن و روح او انعکاس پیدا کرده و با قدرت نبوغ و استعداد او به شکل بهتری پدیدار گشته است.

نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد، اینکه نمی‌توان نقش تحولات سبکی را در تحوّل صور خیال نادیده گرفت. دوره شاعری فخرالدین در قرن پنجم و اواخر سبک خراسانی

بوده است و نظامی در قرن ششم و سبک آذربایجانی. سبک آذربایجانی، سبک مستقّلی است، ولی می‌توان بنیاد زبانی آن را همان زبان کهن فارسی - یعنی زبان سبک خراسانی - دانست که از نظر فکر و مختصّات ادبی بیشتر به سبک عراقی نزدیک شده است؛ و بی‌تردید تأثیر شیوه شاعران ماوراءالنهر بر شاعران دیگر ادب فارسی، امری آشکار است و تأثیرپذیری نظامی از ویس و رامین را نیز باید از همین مقوله دانست. با بررسی انواع تشبیهات، به شباهت‌های زیادی بین آن دو - چه از لحاظ ساختار و شکل ظاهری و چه از لحاظ مضمون و تصاویر شعری - برمی‌خوریم که بی‌شک تأثیر ویس و رامین را بر خسرو و شیرین مسجّل می‌کند، اما زبان نظامی و شیوه‌های او بسی پخته‌تر از ویس و رامین است. بهره‌ای که نظامی از فنون بلاغت و به‌ویژه تشبیه گرفته، نه تنها بیشتر و استادانه‌تر از فخرالدین است، که در سرتاسر ادب فارسی کم‌نظیر و حتّی بی‌نظیر می‌نماید.

منابع

- آقاحسینی، حسین (۱۳۸۷)، «تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی»، پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره یازدهم.
- ارسطو (۱۳۸۷)، فنّ شعر، ترجمه عبدالحسین زرّین کوب، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر.
- اسکلتن، رابین (۱۳۷۵)، حکایت شعر، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، میترا.
- بهار، محمّدتقی (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی نثر، جلد دوم، تهران، زوّار.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، سفر در مه، تهران، نگاه.
- رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴)، «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی»، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، شماره پنجم.
- زنجانی، برات (۱۳۷۷)، صور خیال در خمسه نظامی، تهران، امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمّدرضا (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، تهران، آگاه.
- _____ (۱۳۷۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، سبک‌شناسی شعر، تهران، فردوسی.
- _____ (۱۳۸۶)، بیان، چاپ دوم، تهران، میترا.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر)، تهران، پژوهشگاه هنر و اندیشه اسلامی.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان، عماد کرمان.
- فخرالدین اسعد گرگانی (۱۳۴۹)، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۹)، نقد شعر فارسی، تهران، وحید.
- کروچه، بندتو (۱۳۴۴)، کلتیات زیباییشناسی، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.

بررسی تحلیلی ساختار تشبیهات نظامی و فخرالدین اسعد گرگانی با تأکید بر خسرو و شیرین و ویس و رامین / ۱۳۱

نبی‌لو، علیرضا (۱۳۸۹)، «مقایسه ساختار تشبیهات مخزن الاسرار و مطلع‌الانوار»، فنون/ادبی، دانشگاه اصفهان، شماره دوم.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۸)، خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ نهم، تهران، قطره.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۴)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، دانشگاه سپاهیان انقلاب.

